



اتحاد اوباش در مرکز شهر



■ موضوع: نقش اراذل در کودتای ۲۸ مرداد
■ موقعیت: چهارراه گلوبندک، چهارراه مولوی، سه راه سیروس و میدان بهارستان

یکی از مهم ترین عوامل پیروزی کودتای ۲۸ مرداد دست به یکی کردن اراذل و اوباش در آن روز بود. البته درباره اینکه کدام یک از اراذل معروف و مشهور پیشقدم شد تا بساط دولت مصدق برچیده شود اختلاف نظرهایی وجود دارد. بعضی معتقدند در روز کودتا شعبان جعفری نخستین کسی بود که اراذل و اوباش تهران را دور هم جمع کرد و بعضی هم معتقدند، شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ تا ظهر روز ۲۸ مرداد ماه در زندان بود. اردشیر آل عوض، تهران پژوه دربارۀ نحوه حضور اراذل و اوباش در روز کودتای ۲۸ مرداد توضیح می دهد: «حاجی خداداد یکی از باباشمل های معروف تهران بود که در جریان کودتای ۲۸ مرداد گروهی از اراذل و اوباش حامی شاه را از نظر مالی شارژ می کرد. آنطور که در خاطرات طیب آمده، در روز کودتا ۱۰ بار جوب می خرنند و چیزی بین هزار تا ۳ هزار نفر جوب به دست، در روز ۲۸ مرداد با لباس یک شکل و شعارهای واحد از مکانی به نام «سرقبر آقا» در محله مولوی به سمت چهارراه مولوی و سه راه سیروس حرکت می کنند تا از مقابل خانه سیدمحمد بهبهانی که مخالف مصدق بود عبور کنند و به سمت میدان بهارستان بروند. این گروه در میدان بهارستان در حمایت از شاه شعار می دهند.»

آل عوض در بخش دیگر صحبت هایش به اضافه شدن گروهی دیگر از اوباش از محله جوادیه یاد می کند: «فردی به نام بیوک که سردهسته اراذل و اوباش جوادیه بود در میدان بهارستان به همقطارانش ملحق می شود تا به نمایندگان مجلس و مصدق تفهیم یا به عبارتی القا کنند که مردم دولت ملی را نمی خواهند. رژیم شاه و در رأس آن، فضل الله زاهدی تلاش می کرد تا این اقدامات را مردمی جلوه بدهد.»

این تهران پژوه همچنین درباره مسیر حرکت شعبان جعفری و دار و دسته اش می گوید: «لوطی ها و باباشمل ها در برخی دستگاه ها نفوذ زیادی داشتند و نفوذ آنها باعث شد تا شعبان جعفری در روز کودتا از زندان آزاد شود و با دار و دسته اش از چهارراه گلوبندک خودش را به جمع اراذل و اوباش چماق به دست در میدان بهارستان برساند.»

روزتاریک تهران

صبح ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هیج گاه از دفتر تاریخ با یخت پاک نخواهد شد. مردم تهران بعد از روزها تلاطم صبح روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ننگین ترین کودتای کشور را به چشم دیدند.

این کودتا یکی از مهم ترین حوادث سر نوشت ساز در تاریخ معاصر ایران لقب گرفته است که منجر به برکناری یک حکومت با آرمان های ملی گرایانه و استقرار یک دولت دست نشانده استعماری شد. روزی شوم که خسارت های جبران ناپذیری بر جای گذاشت. خیابان ها و میدان های زیادی از پایتخت آن روز درگیر تظاهرات و درگیری های

خیابانی شدند. اراذل و اوباشی که با دلقک بازی و خشم کور کورانه به غارت پرداختند و جماعتی که صبحگاه به نفع دولت ملی شعار دادند و عصرگاه با شعار جاویدشاه به خانه ها پشان برگشتند. این شماره و ویژه نامه همشهری محله شما را قدم به قدم با ماجرای کودتا در کوچه و خیابان های شهر همراهی می کند. نصرالله حدادی تهران پژوه، اردشیر آل عوض محقق، محسن جلیلود استاد روابط بین الملل، علیرضا زمانی و محمود منیعی تهران پژوه در واکاوی این واقعه مهم در پایتخت همراه ما بوده اند.



اردشیر آل عوض



نصرالله حدادی



علیرضایمانی



محمود منیعی



محسن جلیلود

رویارویی بازاریان و میدانی ها



تهران جمع شدند و جایزه خود را از دست تیمورخان دریافت کردند. البته یک اشتباه تاریخی درباره افرادی که صله گرفته اند وجود دارد که لازم است اصلاح کنیم. در همان سال ها در حوالی انبار نفت، منشعب از میدان گمرک، پس از تخریب یخچال های قدیمی، چند میدان فروش میوه و تره بار شکل گرفت، از جمله میدان شفیعی (قبله) و میدان طاهری. مسئله اینجاست که میدان طاهری هیچ ارتباطی با برادران طاهری و میرزا علی شفیعی که از صله بگیران بودند نداشت. نام این میدان ها با دو فرد خیری گره خورده که اتفاقی همنام کودتاچیان بودند.»

قبل با دوستان و طرفدارانش که اغلب بارفروش های میدان و محله های اطراف بودند، برای روز کودتا در محدوده میدان امین السلطان قرار گذاشتند. حدادی از نقش این افراد در کودتا می گوید: «در روز کودتا این گروه حرکت خود را از سر قبر آقا شروع کردند و به موازات خیابان امین السلطان با گذشتن از خیابان مولوی مستقیم به سمت میدان بهارستان و مجلس حرکت کردند. علاوه بر این، چند دسته اراذل و اوباش دیگر هم از نقاط مختلف شهر به راه افتادند. بعد از پیروزی کودتا همه این افراد که بیشتر آنها از کاسبان و غرقه داران میدان تره بار بودند در باغی واقع در شمال

■ موضوع: تشکیل دسته اوباش از بین غرقه داران میدان تره بار

■ موقعیت: بازارچه امین السلطان

روزگاری بازارچه امین السلطان در حوالی خیابان مولوی شاهد وقوع اتفاقات و تحولات بزرگ تاریخی بود و می توان خطوطی از واقعه کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را حوالی این محدوده جست و جو کرد. به گفته نصرالله حدادی، عنوان این بازار بر گرفته از نام «میرزا ابراهیم خان امین السلطان» یکی از رجال دوره قاجار است: «بازاریان در دوران پس از شهریور سال ۱۳۲۰ و به ویژه در زمان وقوع کودتای ۲۸ مرداد با محمدرضا پهلوی سر سازش نداشتند. به عبارتی، در ایام منتهی به کودتا نیز درست در نقطه مقابل میدانی ها و بارفروشان میدان امین السلطان که حامی شاه بودند قرار گرفتند. بنابراین در جریان کودتا و حتی در همه دورانی که مصدق نخست وزیر بود، بازاریان از مصدق حمایت کردند و در رأس آنها حاج محمدحسن شمشیری، از بازاریان خوشنام، قرار داشت. در روزهای منتهی به کودتا نیز آنها صبح روز ۲۸ مرداد از بازار راهی میدان بهارستان شدند و برای حمایت از مصدق تظاهرات کردند.» همچنین یکی از بزرگ ترین دسته های اراذل مربوط به بازار میوه و تره بار بود. سر کرده این گروه از چند روز

میتینگ پر سر و صدای وزیر خارجه



■ موضوع: بررسی وقایع خیابانی کودتا
■ موقعیت: میدان بهارستان و مقابل مجلس

میدان بهارستان همچون یک پایگاه سیاسی عمده ترین وقایع را در درگیری های کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و روزهای قبلش به خود دید. موقعیت جغرافیایی میدان بهارستان و وجود مراکز مهم سیاسی در آن باعث شده بود تا بیشتر تظاهرات و حتی گردهمایی های سیاسی در این میدان انجام شود. نصرالله حدادی، تهران پژوه می گوید: «این میدان مرکز مهمی در کودتا بود. بهارستان از پایین به میدان سرچشمه و شاه آباد می رسید و از شرق به میدان مخبرالدوله و توپخانه و ارگ. خیابان کاخ (فلسطین) در شمال آن بود که خانه مصدق هم آنجا قرار داشت. ساختمان مجلس و دفتر بسیاری از روزنامه های مهم در محدوده این میدان قرار داشتند. در نتیجه عجیب نیست که بهارستان را پایگاه اصلی کودتا و تظاهرات و گردهمایی های مربوط به آن بدانیم. در حقیقت بهارستان یکی از مراکز حساس سیاسی بود که با حضور اراذل و اوباش و بعد از ورود تانک ها در اختیار کودتاچیان قرار گرفت. اعتراض ها در این میدان به اوج رسید چون بیشتر درگیری ها در مقابل مجلس بود و از آنجا به سمت خانه مرحوم دکتر مصدق کشیده شد.» میدان بهارستان در روزهای قبل از کودتا نیز میزبان گردهمایی های بزرگ حامیان ملی بود. به اصطلاح، میتینگ معروف بهارستان در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ در نتیجه ناکامی کودتای اول نظامی شاه علیه مصدق برگزار شد. فراکسیون نهضت ملی و احزاب در این گردهمایی شرکت کردند. میدان بهارستان پر بود از شعارهایی که علیه کودتاچیان سر می دادند و یک صد فریاد می زدند مرگ بر کودتاچیان و ملت، خواهان اعدام کودتاچیان است، ما شاه نمی خواهیم و مصدق پیروز است. دکتر حسین فاطمی، وزیر خارجه دولت

مصدق از سخنرانان این گردهمایی بزرگ بود که با سخنرانی تندى که علیه رژیم انجام داد حجت را بر طرفداران شاه تمام کرد. او در این گردهمایی که در ساعت های نزدیک به غروب خورشید به اوج خود رسیده بود رژیم پهلوی را منقرض شده نامید. در بخشی از این سخنرانی آمده است: هموطنان، «چو تیره شود مرد را روزگار / همه آن کند کش نیاید به کار» هموطنان، دیشب وقتی تفنگ های گارد شاهنشاهی به طرف من نشانه روی می کرد، من، چون به اراده شما ایمان داشتم می دانستم که نهضت ملی نخواهد مرد. هموطنان، فرزند آن پدری که قرارداد سال ۱۹۳۳ را ۶۰ سال تمدید کرد علیه نهضت ملی قیام نمود. پدرش ۲۰ سال عامل کمپانی نفت جنوب بود و ۴۰ سال دیگر را برای پسرش باقی گذاشت. امروز شما باید نشان بدهید که روی پای خود می ایستید و هر کس که با شما مخالفت کند او را از بین برمی دارید. به آنها که می گویند نهضت شما رنگ خارجی دارد بگویند آن کسی که خارج از مرز شماست



خارجی است. برای شما استعمار سیاه و سفید، سیاه و سرخ علی السویه است. هموطنان، جنایات دربار پهلوی روی جنایات ملک فاروق اسفید کرد.»